

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

فصلنامه علمی ـ پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی منتشر می‌شود.
سال ۱۰ / شماره ۱ / شماره پیاپی ۳۴ / بهار ۱۴۰۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی
سردبیر: احمدحسین شریفی
مدیر اجرایی: سیدمهدی موسوی
بازبین نهایی: سیدمهدی موسوی
ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر
صفحه‌آرا و طراح جلد: مهناز شاه علی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی(استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، عطاءالله رفیعی آتانی(استادیار گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، سید حسین میر معزی(دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، حسن آقا نظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)

اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، سید احسان رفیعی علوی(دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، محمدجواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، جاوید اقبال(استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، طلال عتریسی(استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

نشانی دفتر فصلنامه:
تهران: خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه هشتم، پلاک ۲۳ طبقه سوم
تلفن: ۰۹۹۳۵۴۰۴۶۱۷
کدپستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶.

قیمت: ۲۰۰،۰۰۰ تومان
نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی ـ پژوهشی شد. رتبه علمی ـ پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.

ـ مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
ـ فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
ـ نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]



| سال ۱۰ | شماره ۱ | شماره پیاپی ۳۴ | بهار ۱۴۰۳ |

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

بسمه تعالی

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به منظور تمهید مقدمات تحول علوم انسانی و دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی، که در اسناد بالادستی ایران اسلامی بر آن تأکید شده است، در محورهای زیر از مقالات پژوهشی اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی استقبال می‌کند:
۱) ارزیابی مبانی فلسفی و روش‌شناسی علوم انسانی موجود؛ ۲) ارائه مبانی فلسفی و کلامی علوم انسانی اسلامی؛ ۳) سیاست‌پژوهی تحول علوم انسانی؛ ۴) اقتصاد علوم انسانی؛ ۵) آینده‌پژوهی علوم انسانی؛ ۶) نقد نظریه‌های بنیادین علوم انسانی موجود و ۷) ارائه نظریه‌های بنیادین در ارتباط با علوم انسانی بومی و اسلامی.
لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به همایش‌ها یا نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- نویسنده باید مقاله را از طریق سامانه بارگذاری کند. به مقالات ارسالی از طریق ایمیل ترتیب اثر داده نخواهد شد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

مقالات باید در یکی از قالب‌های: پژوهشی (تحلیل، تطبیق، نقد) یا نقطه‌نظر (دیدگاه مستدل و تحلیلی نویسنده پیرامون یک مسئله خاص) باشد. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی و ترجمه معذور است.

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله (با احتساب فهرست منابع): بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۸ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان

- تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل در فایل word درج شود.
  - **اعضای هیئت‌علمی**

    رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **دانشجویان**

    دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **افراد و محققان آزاد**

    مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی
  - **طلاب**

    سطح (دو، سه، چهار)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده موردنظر درج شود.
- فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان مقاله که لازم است اولاً مسئله‌محور باشد و ثانیاً، گویای محتوای مقاله باشد.

۲. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان

۳. چکیده: چکیده باید در عین اختصار، بیانگر مسئله اصلی پژوهش، روش پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش باشد.

۴. مقدمه: [شامل تعریف مسئله، پیشینهٔ اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبهٔ نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی و مفاهیم کلیدی مقاله باشد. در یک مقالهٔ علمی پژوهشی نویسنده در بخش مقدماتی مقاله لازم است دست‌کم پاسخ چهار سؤال را به‌صورت ضمنی بیان کند: چه می‌خواهم بنویسم؟ (تبیین مسئله). چرا می‌خواهم بنویسم؟ (اهمیت و ضرورت پرداختن به آن

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

مسئله). چگونه می‌خواهم بنویسم؟ (روش پژوهش) و بر اساس چه بنیانی می‌خواهم بنویسم؟ (پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه تحقیق)].

۵. بدنـــهٔ اصلی مقاله: (این بخش با توجه به مســـئله‌ای که در هر مقالـــه‌ای موردبحث قرار می‌گیرد می‌تواند متفاوت باشـــد؛ اما به‌طورکلی می‌توان گفت، مناسب است نویسندگان مقالات علمی پژوهشـــی در نظر داشته باشند که در این بخش لازم است: اولاً، مدعای خود را به‌صورتی شفاف بیان کنند. ثانیاً، دلایل اثبات مدعی و شواهد و قرائن آن را به‌وضوح و در شکلی منطقی و منسجم بیان کنند و ثالثاً، نقدهای وارد شده به دلایل یا مدعا را پاسخ دهند.

۶. نتیجه‌گیری: یکی از بخش‌های مهم هر مقاله‌ای بخش نتیجه‌گیری آن اســـت. نویســـنده در این بخش لازم است ضمن بیان واضح یافته‌های تحقیق، مشخص کند که چه نتیجه یا نتایج علمی، عملی، سیاستی، فردی، اجتماعی و امثال آن از مقاله تدوین شده انتظار می‌رود.

۷. کتاب‌نامه

درج پانویس، ارجاعات درون متن و کتاب‌نامه

*** روش استناد دهی: APA

درج پانویس

* از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
* از نقل‌قول‌های مســـتقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل‌قول مستقیم است).
* نقل‌قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل‌قول "" و بیش از آن به‌صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

* ارجاع به یک آیه از سوره قرآن: (بقره: ۵)
* ارجاع به نهج‌البلاغه: (نهج‌البلاغه: خطبه، ۵۰)
* به‌هیچ‌وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

* اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتماً باید در بخش کتاب‌نامه مقاله نیز درج شود.
* اســـتناد درون متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویســـنده/ نویسندگان، سال انتشار، حرف ج شماره جلد: حرف ص شماره صفحه).
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* درصورتی‌که از یک نویســـنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز شوند.
* اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
* اگر تعداد نویســـنده‌ها بیش از ســـه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
* اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه‌ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

کتاب‌نامه (فهرست منابع پایانی)

*** قرآن و نهج‌البلاغه به ترتیب در ابتدای کتاب‌نامه درج‌شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
* در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به‌صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* منابعی که در این بخش درج می‌شـــوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند(منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشـــتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند و در متن به آن‌ها ارجاع داده نشده، نباید در بخش کتابخانه درج شوند).
* نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.

نحوه ارجاع به مقالات

* نام خانوادگی، نام. ســـال انتشـــار. «عنوان مقاله». عنوان مجله (به‌صورت Bold). عدد دوره (عدد شماره). عدد صفحات آغازین و پایانی مقاله.
* برای درج عنوان مجله، نیازی به درج واژه‌های نشریه، مجله، فصلنامه، دو فصلنامه، ماهنامه نیست.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

مثال: پارسانیا، حمید؛ اژدری‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. «تعین اجتماعی معرفت در نهج‌البلاغه». **اسلام و علوم اجتماعی**. شماره ۶. ص ۴۹-۷.

نحوهٔ ارجاع به کتاب

* برای آثار فاقد محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به ترتیب عبارت «بی‌جا»، «بی‌نا» و «بی‌تا» درج شود.

* نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (به‌صورت Bold). ج (شماره جلد). چ (شماره چاپ). مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی. محل نشر: ناشر.

مثال: کنوبلاخ، هوبرت. ۱۳۹۰. **مبانی جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

نحوهٔ ارجاع به یک مقاله از مجموعه مقالات

* نام خانوادگی، نام (نویسندگان مقاله). سال انتشار. «عنوان مقاله». عنوان مجموعه مقاله (به شکل Bold). (ج شماره جلد). (چاپ شماره چاپ) (مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی). محل نشر: ناشر، ص (درج شماره صفحات مقاله در مجموعه مقاله).

نحوهٔ ارجاع به یک منبع الکترونیکی

* نام خانوادگی، نام (پدیدآورندگان). سال انتشار. «عنوان مطلب». تاریخ انتشار. نام پایگاه اطلاعاتی. درج لینک مستقیم مطلب الکترونیکی.

مثال: خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت». ۱۳۷۶/۶/۲.

www.leader.ir/fa/speech/1466/www.leader.ir

جداول، نمودارها و تصاویر

- فایل تصاویر مقاله با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود (ارسال تصاویر پس از پذیرش مقاله و قبل از صفحه‌آرایی، از طریق ایمیل فصلنامه).
- لازم است جداول و نمودارهای مقاله قابلیت ویرایش داشته باشد و به‌صورت عکس ارسال نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

سرمقاله

تأملی مجدد درباره رسالت مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی

علوم انسانی، در مقام دانشی که به تبیین، تفسیر، پیش‌بینی و جهت‌دهی به کنش انسانی در ساحت فردی و اجتماعی می‌پردازد، خود نیازمند تفکر مستمر در بنیان‌های نظری، روش‌شناسی و ملازمات نهادی خویش است. مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی بر این مبنا تأسیس شده است که علوم انسانی تنها هنگامی می‌تواند به افق‌های نو در تبیین و مدیریت زندگی فردی و اجتماعی دست یابد که پیش از هر چیز، مورد پژوهش درجه دوم قرار گیرد؛ یعنی پژوهش درباره علوم انسانی برای پیشرفت تولید دانش در چارچوب علوم انسانی. این مجله خود را در جایگاه نظریه‌پردازی «درباره علوم انسانی» می‌بیند و حوزه مأموریت آن به چهار لایه درهم‌تنیده تقسیم می‌شود:

۱. فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی

در گام نخست، این مجله به مطالعه مبانی فلسفی یعنی مبانی معرفت‌شناختی و مبانی هستی‌شناختی علوم انسانی و دلالت‌های روش‌شناختی آن می‌پردازد. هدف، نه‌فقط توصیف روش‌ها و مفاهیم رایج، بلکه نقد آنها، کشف مفروضات پنهان آنها، و امکان‌سنجی بدیل‌های اسلامی در تولید نظریه است. به همین دلیل، این بخش ماهیتی درجه دوم دارد؛ چراکه موضوع آن نه پدیده‌های انسانی، بلکه مفاهیم و ساختارهای نظری دانش علوم انسانی است. در این سطح، موضوع پژوهش مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی علوم انسانی است. اینکه آیا انسان را می‌توان همانند اشیاء طبیعی مطالعه کرد؟ چه نوع رویکردهای روشی با ذات علوم انسانی سازگارترند؟ تفاوت‌های بنیادین علوم انسانی با علوم طبیعی در چیست؟ چگونه می‌توان یک روش‌شناسی اسلامی برای علوم انسانی توسعه داد؟ این پرسش‌ها به بررسی پیش‌فرض‌های عمیق در هستی‌شناسی انسان، عینیت در علوم انسانی، و حدود و ظرفیت‌های مفاهیم کلیدی چون عقلانیت، فردیت، جامعه و فرهنگ، معطوف‌اند.

۲. نظریه‌های بنیادین علوم انسانی

در لایه دوم، این مجله بستری است برای نقد نظریه‌های اساسی رایج در علوم انسانی از چشم‌انداز تاریخی، فلسفی، یا تمدنی. در این‌جا، نقد به‌معنای نفی صرف نیست، بلکه به‌مثابه «گشودگی به

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

امکانات نظری دیگر» از جمله تولید علوم انسانی اسلامی، و طراحی چارچوب‌های نو برای مواجهه با مسائل انسانی در جهان معاصر، خواهد بود. بر همین اساس، مسیر تولید علوم انسانی اسلامی نیز از دل مواجهه خلاق، چندلایه و انتقادی با این نظریات آغاز می‌شود؛ نه در تقابل هیجانی با سنت‌های نظری غرب، بلکه در تلاش برای تأسیس رویکردهای ریشه‌دار در تجربه تاریخی، معرفتی و دینی ما.

۳. جامعه‌شناسی علوم انسانی

در گام سوم، مجله به بررسی ساخت اجتماعی تولید علوم انسانی می‌پردازد؛ از جمله نحوه نهادینه‌شدن این علوم در دانشگاه‌ها، شبکه‌های قدرت معرفتی، تعاملات علم و فرهنگ، و افق‌های بومی‌سازی علوم انسانی در بستر اجتماعی ایران. این حوزه، به‌ویژه از منظر جامعه‌شناسی علم و مطالعات فرهنگی علم، امکان آن را فراهم می‌سازد تا فهمی عمیق‌تر از موانع، فرصت‌ها، و سازوکارهای تحول علوم انسانی در جهان غیرغربی پدید آید. زیرا تولید علوم انسانی، نه صرفاً یک پروژه فکری، بلکه فرآیندی اجتماعی و نهادی است. از این منظر، مطالعه فرآیندهای اجتماعی تولید، توزیع، مشروعیت‌بخشی و مصرف علوم انسانی در جامعه، ضرورتی اساسی برای بازسازی آن است. براین اساس در این حوزه، مقولاتی چون: جامعه‌شناسی علم و معرفت؛ مطالعات فرهنگی علم؛ بازتاب قدرت و ایدئولوژی در نظریه‌پردازی علوم انسانی؛ مطالعات تجربه‌شده بومی‌سازی در ایران و جهان اسلام؛ و تحلیل انتقادی جریان‌های فکری در دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی مورد توجه خواهند بود.

۴. اقتصاد و مدیریت تولید و ترویج علوم انسانی

در لایه چهارم، توجه مجله معطوف به جنبه‌های نهادی و مدیریتی تولید و ترویج علوم انسانی است: چگونه می‌توان سازماندهی بهینه‌تری برای تولید، انتشار، و ترویج علوم انسانی سامان داد؟ چه مدل‌های اقتصادی، حکمرانی و سیاست‌گذاری می‌توانند از پیشرفت علوم انسانی حمایت کنند؟ این پرسش‌ها در پی طراحی نظامی از مدیریت معرفت‌اند که علوم انسانی را به نیروی مؤثر در مدیریت فردی و اجتماعی بدل سازد. روشن است که هرگونه تحول در علوم انسانی، نیازمند مدل‌های نهادی، اقتصادی و مدیریتی سازگار با ماهیت آن است. از این‌رو، در مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

به مطالعاتی در حوزه‌های طراحی ساختارهای نهادی برای حمایت از تولید و ترویج علم انسانی؛ مدل‌های اقتصادی و مالی پشتیبان پژوهش علوم انسانی؛ تحلیل سیاست‌های علم، آموزش عالی و نوآوری با محوریت علوم انسانی؛ بررسی چگونگی مشارکت علوم انسانی در حل مسائل ملی و اجتماعی، حکمرانی دانش؛ جایگاه علوم انسانی در سیاست‌گذاری عمومی و نقد عقلانیت‌های بروکراتیک در مدیریت علوم انسانی توجه می‌شود. این حوزه، پیوند مستقیمی با سیاست‌گذاری علم و نیز طراحی نظام ملی نوآوری در علوم انسانی دارد و نقش آن در افزایش اثربخشی، استمرار و عمومی‌سازی تولید علوم انسانی غیرقابل انکار است.

۵. رسالت تمدنی مجله

مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی نه‌تنها یک بستر تخصصی برای نشر مقالات علمی در این حوزه‌هاست، بلکه خود را به‌مثابه بخشی از پروژه کلان بازسازی علوم انسانی در جهان اسلام می‌داند. پروژه‌ای که به دنبال آن است که:

- علوم انسانی را از وضعیت مصرفی و ترجمه‌محور خارج کند؛
- پیوند آن را با میراث معرفتی اسلامی و زمینه‌های اجتماعی معاصر بازیابی نماید؛
- و امکانی فراهم آورد برای شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی، بومی و تمدن‌ساز.

در این افق، پژوهش بنیادین نه فعالیتی صرفاً نظری و انتزاعی، بلکه پیش‌شرط تولید دانشی موثر در زیست‌بوم فکری و اجتماعی ما است. در این مسیر، بومی‌سازی و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی دو هدف اساسی و هم‌افزا به شمار می‌روند. بومی‌سازی نه به‌معنای طرد دانش جهانی، بلکه به‌معنای تنسیق و بازتولید آن در بافت تاریخی، فرهنگی و ارزشی جامعه ماست. رویکرد اسلامی نیز کوششی است برای احیای ظرفیت‌های معرفتی تمدن اسلامی، به‌ویژه در مواجهه با مسائل انسان معاصر. در این میان، علوم انسانی اسلامی نه یک پروژه ایدئولوژیک، بلکه یک امکان نظری و پژوهشی برای توسعه پارادایم‌های نوین است که از دل مبانی اسلامی و تجربه تاریخی ـ فرهنگی ما سر برمی‌آورد .مجله «تحقیقات بنیادین علوم انسانی» بر آن است تا بستری برای تلاقی این تلاش‌ها فراهم آورد؛ جایی برای گفت‌وگوی متفکران، پژوهشگران و اندیشه‌ورزان درباره چیستی و چگونگی علوم انسانی، و گامی در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

جهـــت بنای نظری تمدن نوین اســـلامی. مجله تحقیقات بنیادین علوم انســـانی خود را متعهد می‌داند به بازاندیشـــی در علوم انسانی از منظرهای فلســـفی، انتقادی، جامعه‌شناختی و نهادی و نیز اقتصادی با هدف گشودن افق‌هایی برای تولید علوم انسانی اسلامی، بومی و کارآمد. باور ما این است که آینده علوم انسانی، نه در تکرار چارچوب‌های وارداتی، و نه در ظاهرگرایی‌های افراطی، بلکه در گفت‌وگویی خلاق بـــا مبانی دینی، تجربه تاریخی، واقعیت امروز و ضرورت‌های تمدنی آینده جامعه ما رقم خواهد خورد. امید است مجله از این شـــماره به بعد، آغازگر موجی نو از تأملات بنیادین، نقدها و نوآوری‌های علمی در این عرصه باشد.

ما از همه پژوهشـــگران، منتقدان اجتماعی و سیاســـت‌گذاران حوزه علم انسانی دعوت می‌کنیم تا در این مســـیر با ما همراه شوند: مسیری که به‌سوی تولید علوم انسانیِ واقعی‌تر، حکیمانه‌تر، انسانی‌تر و متناسب با مبانی و آرمان‌های جامعه اسلامی گشوده می‌شود.

عطاالله رفیعی آتانی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

فهرست مطالب

۱۵ گسست بنیادی- دانشی در پارادایم‌های توسعه؛ تحلیل تطبیقی پارادایم توسعه غربی و الگوی پیشرفت اسلامی
امید ایزانلو

۴۵ مؤلفه‌های امکان‌ساز جامعیت دین و تأثیر آن در علم دینی؛ مطالعه موردی اسلام
حمید خدابخشیان خوانساری

۶۵ نقد و بررسی ماهیت علم دینی؛ مطالعه موردی: نقد تعریف‌های علم اقتصاد اسلامی
میثم اکبرزاده، ناصر جهانیان

۹۳ نقد؛ طریق تقرب به حقیقت: تحلیلی مبتنی بر عقلانیت نقاد
سیدمحمدتقی موحد ابطحی

۱۱۵ تبیین فرآیند نظریه‌پردازی حکمی در تولید علم معماری
نسیم اشرافی

۱۳۹ بازنگاهی به جنسیت نفس با نظر به اندیشه‌های صدرالمتالهین
محمدجواد پاشایی، مسعود نورعلیزاده میانجی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶

نقد؛ طریق تقرب به حقیقت: تحلیلی مبتنی بر عقلانیت نقاد

سیدمحمدتقی موحد ابطحی[۱]

چکیده

در عقلانیت نقاد، علم مجموعه‌ای از حدس‌های ابطال‌پذیر برای حل مسئله‌ای در ارتباط با واقعیت است که هنوز ابطال نشده‌اند. معیار سنجش نظریه‌های علمی نیز صدق (به‌معنای تطابق با واقع) است. در مقابل، فناوری‌ها، برساخته‌های بشری هستند که هدف آن‌ها پاسخ به نیازهای غیرمعرفتی یا تسهیل در پاسخ به نیاز معرفتی است. در این رویکرد پیشرفت علم و فناوری از الگوی واحدی تبعیت می‌کند. فعالیت علمی و فناورانه از مواجهه با یک مسئله یا مشکل آغاز می‌شود. برای حل مسئله یا رفع مشکل، راه‌حلی پیشنهاد می‌شود. این راه‌حل نقادی شده و اشکالات آن برطرف می‌گردد تا نظریه علمی به حقیقت نزدیک‌تر شود یا فناوری کارآمدتری به‌دست آید. در این مقاله ابتدا به‌اختصار نشان داده می‌شود که چگونه نقد از سه طریق زمینه‌ساز تقرب به حقیقت می‌شود. بخش عمده مقاله به این مسئله خواهد پرداخت که چگونه نقد فناوری‌های نرم و انسانی مرتبط با علم، ازجمله نقد نهادهای متولی علم، نقد سیاست‌ها و برنامه‌های ناظر به توسعه علم، نقد دانشگاه و نقد شاخص‌های علم‌سنجی می‌تواند زمینه‌ساز تقرب به حقیقت باشد. در پایان نیز به این بحث اشاره خواهد شد که اگر بر این باوریم که جهان‌بینی حاکم بر علم غربی حقیقت‌نما نیست، و تقرب به حقیقت جز با همراهی معرفت علمی و معرفت دینی محقق نمی‌شود، باید پذیرفت که نمی‌توان با علم‌ورزی در قالب نهادهای توسعه‌یافته ذیل جهان‌بینی سکولار غربی به‌شکل مطلوب به حقیقت نزدیک شد و باید با نقد نظام‌مند، مبتنی بر مبانی فلسفی، خلاقانه، اخلاق‌مدار و دین‌مدار فناوری‌های نرم و انسانی ناظر به علم، زمینه را برای تقرب هرچه بیشتر به حقیقت فراهم آورد.

واژگان کلیدی: عقلانیت نقاد، علم، فناوری، نقد، تقرب به حقیقت، نهاد علم

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
smtmabtahi@gmail.com
https://orcid.org/0000-0001-7013-1469

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

مقدمه

عقلانیت نقاد رویکردی فلسفی است کـه توسـط پـوپر پایه‌گـذاری شـد و در ادامـه توسـط فیلسـوفانی همچون ویلیام بارتلی، ایان جاروِی، جوزف آگاسی، آلن ماسگریو، دیوید میلر، استفانو گتـه‌ای، جـان وترستن و جرمی شرومر بسط و توسعه یافت. در این رویکرد علم مجموعه‌ای از حدس‌های ابطال‌پذیر برای حل مسئله‌ای در ارتباط با واقعیت است که هنوز ابطال نشده‌اند. معیار سنجش نظریـه‌های علمـی نیز صدق (به معنای تطابق با واقع) است. در مقابل فناوری‌ها برسـاخته‌های بشـری هسـتند کـه هـدف آن‌ها پاسخ به نیازهای غیرمعرفتی (مانند اتومبیل که نیاز ما به جابه‌جایی را تأمین می‌کند) یا تسـهیل در فعالیت علمی (مانند میکروسکوپ که در آزمایش‌های علمی به‌کار می‌رود) است و معیـار سـنجش آن نیز کارآمدی است. مطابق این تعریف، فناوری‌ها منحصر به فناوری‌های سخت و مهندسی نمی‌شـوند و آن دسته از برساخته‌های بشری که نیازهای غیرمعرفتی بشـر را در عرصـه انسـانی و اجتمـاعی پاسـخ می‌گوید (مانند نهاد تقنینی که نیاز بشر به نظم را پاسخ می‌دهد) یا فعالیت‌های علمی را تسهیل می‌کند (مانند دانشگاه و وزارت علوم، جوایز علمی، نشریات و همایش‌های علمی) در زمره فناوری‌های نـرم و انسانی قرار می‌گیرند. در این بین علوم انسانی و اجتماعی، برخلاف علـوم فیزیکـی و زیسـتی دارای دو وجه علمی و فناورانه هستند. وجه علمی علوم انسانی در جست‌وجوی شناخت واقعیت و وجه فناورانـه آن به‌دنبال تغییر واقعیت است (منصوری و پایا، ۱۳۹۷).

در رویکرد عقلانیت نقاد توسعه و پیشـرفت علـم و فنـاوری از الگـوی واحـدی تبعیـت می‌کننـد. فعالیت علمی با مسئله‌ای در ارتباط با چگونگی واقعیت آغاز می‌شود. برای حـل ایـن مسـئله، فرضـیه ابطال‌پذیری حدس زده می‌شود. سپس این فرضیه در عرصه عمومی در معرض نقد تجربی و نظری قرار می‌گیرد تا مشکلات آن آشکار شود. در گام بعدی با ارائه فرضیه‌ای جدید، تلاش می‌شود تـا مشـکلات فرضیه قبل برطرف و به‌این‌ترتیب گامی به‌سمت شناخت بهتر واقعیت برداشته شود. در عرصـه فنـاوری نیز ابتدا بشر برای رفع نیازهای غیرمعرفتی، یا تسهیل در پاسخ به نیازهای معرفتی خود، با بهره‌گیـری از تمامی زمینه‌های معرفتی خود، از اشیای موجود به‌عنوان ابزار اولیه بهره می‌گیرد یا ابزار/فناوری جدیدی را با ترکیب اشیای طبیعی پدید می‌آورد. سپس قوت‌ها و ضعف‌های ابزار استفاده شده را برای رفـع نیـاز مربوط ارزیابی می‌کند و می‌کوشد با دست‌کاری ابزار اولیه، ابزاری کارآمـدتر پدیـد آورد و بـه‌این‌ترتیب بشر از فناوری‌های ساده و ابتدایی به فناوری‌ها پیچیده و کارآمدتر می‌رسد.

۱. تقرب به حقیقت از طریق نقد نظریه‌های علمی

استقراگرایان بر این باور بودند که هم فرضیه‌پردازی در عرصه علم بر پایه شواهد تجربـی انجـام می‌گیـرد و هم شواهد تجربی می‌توانند صدق یا دست‌کم صدق تقریبی فرضیه‌های علمی را اثبـات کننـد (چـالمرز،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

۱۳۷۴، فصل اول). انتقادهای بسیاری که به این دیدگاه وارد شد، واکنش‌های متفاوتی را بـه‌دنبال داشـت. در این میان پوپر مدعی شد که اصولاً علم نه در مقام کشف و نه در مقام داوری از استقرا استفاده نکـرده و استقرا افسانه‌ای بیش نیست. وی و پیروان عقلانیت نقاد، نظریه‌های علمی را حـدس‌های نظـری و مـوقتی قلمداد کردند که برای حل مسائلی که نظریه‌های قبلی با آن روبه‌رو شده‌اند یا تبیین پدیـده‌های مشـاهدتی جدید، به‌صورت خلاقانه ارائه می‌شوند. در این مرحله تمام داشته‌های مفهومی و نظری (اعم از مفـاهیم و نظریه‌های علمی پیشین، باورهای فلسفی و حتی عرفی) نظریه‌پرداز به‌صورت آگاهانـه و حتـی ناخودآگـاه نقش‌آفرینی می‌کند. خلاقانه و حتی در برخی مواقع ناخودآگاه بودن این مرحلـه از فراینـد علـم‌ورزی ایـن نتیجه را به‌همراه دارد که چگونگی دسـت‌یابی بـه فرضـیه‌های علمـی، موضـوع مناسـبی بـرای مطالعـات روان‌شناسی است و ارتباطی با مباحث فلسفی و روش‌شناسی ندارد.

در مرحله داوری که در عقلانیت نقاد نقش کلیدی دارد، بر این نکته منطقی تکیه می‌شـود کـه هـزاران گزاره مشاهدتی صادق نمی‌توانند یک نظریه علمی (که به‌صورت گزاره شرطی با سور عمـومی بیـان شـده است) را اثبات یا حتی تأیید کنند، اما تنها یک گزاره مشاهدتی نقیض می‌تواند نظریه علمی را ابطـال کنـد. براین‌اساس پس از آنکه برای حل مسئله‌ای، فرضیه‌ای ارائه شد، آن فرضیه را باید به‌دقت و بـدون هیچ‌گونـه ملاحظه‌ای در عرصه عمومی ارزیابی تجربی و نظری کرد. فرضیه‌ای که از عهده آزمون‌های مشـاهدتی یـا بررسی‌های نظری برنیاید حذف می‌شود تا فرضیه جدیدی جایگزین آن گردد. درباره فرضیه‌ای هـم کـه بـا موفقیت از بوته آزمون تجربی و بررسی نظری خارج می‌شود، تنها مطلبی که می‌توان گفت آن است که این فرضیه‌ها درحال‌حاضر بهترین فرضیه موجود است که باید در انتظار آزمون‌ها و بررسی‌های جدیـد باشـد. در عقلانیت نقاد علم تنها از طریق حدس‌ها و ابطال‌ها پیشرفت می‌کند و به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود. در این میان فرضیه‌ای که اصولاً نقدپذیر نیست و برای مثال در هر موقعیتی صادق است (مانند این فرضیه کـه فردا یا باران می‌آید یا باران نمی‌آید)، فرضیه مطلوبی نیست (زیرا اصولاً ادعایی درباره عالم خـارج مطـرح نمی‌کند) و درمقابل هرچه فرضیه نقدپذیرتر باشد و برای مثال از دقت و وضوح بیشتری برخوردار بوده، بـا مجموعه بیشتری از دانش‌های پذیرفته‌شده زمانه هماهنگ باشد و ادعاهای بیشتری درباره واقعیـت مطـرح کند، فرضیه مطلوب‌تری قلمداد می‌شود (همان، فصل چهارم).

در نگاه نخست به‌نظر می‌رسد پوپر توضیح جذابی از علم ارائه می‌دهد و ضمن تبیین برتری علم بر دیگر باورها، آن را از هرگونه وابستگی به استقرای مسـئله‌دار می‌رهانـد. امـا آرای پـوپر در فلسـفه علـم مناقشاتی را به‌همراه آورد. برای مثال گزاره‌های مبنایی در عقلانیـت نقـاد بـه‌عنوان مبنـای تجربـی علـم قلمداد می‌شوند که خبر از وقوع یک رویداد قابل مشاهده در زمان و مکان مشخص می‌دهند و می‌توان از آن‌ها جهت ابطال فرضیه‌ها استفاده کرد. اما پوپر باتوجه‌به وجود مفاهیم کلی در گزاره‌های مشاهدتی و همچنین مسبوقیت و مصبوغیت مشاهده بر نظریه، هر نوع گزاره مشـاهدتی را خطاپـذیر می‌دانـد کـه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

باید در معرض آزمون قرار گیرند، اما این پیشنهاد روش‌شناختی پوپر را در معرض تسلسل قرار می‌دهد. پوپر برای نجات از این تسلسل، توافق یا قرارداد جامعه علمی را جهت پذیرش گزاره‌های مبنایی ضروری می‌خواند (اکبری، ۱۳۸۲). ازسوی‌دیگر مطابق تز دوئم کواین، یک فرضیه هیچ‌گاه به تنهایی به بوته آزمون نمی‌رود و براین‌اساس آزمایش‌های تجربی هیچ‌گاه نمی‌توانند فرضیه منفردی را ابطال کنند. درنتیجه می‌توان گفت که در عقلانیت نقاد نظریه‌های علمی نه‌تنها قابل اثبات نیستند، بلکه به‌طور قطع ابطال هم نمی‌شوند (لازی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۶ و ۲۴۷).

پوپر به این مسئله آگاهی داشت و از همین روی مفهوم تقرب به حقیقت را مطرح کرد که در آن ارزیابی نه در ارتباط با تک نظریه، بلکه در مقایسه دو یا چند نظریه صورت می‌پذیرد. مطابق نظر پوپر نظریهٔ الف نسبت به نظریه ب به حقیقت نزدیک‌تر است، اگر و فقط اگر:

۱) محتوای دو نظریه قابل مقایسه باشد.

۲) الف نسبت به ب دارای محتوای صدق بیشتری بوده و محتوای کذب آن بیشتر از ب نباشد (پوپر، ۱۳۶۸، ص ۲۹۰).

هرچند فیلسوفانی مانند تیکی، میلر و هریس نشان داده‌اند که این قرائت از تقرب به حقیقت با مشکل مواجه است اما فیلسوفانی مانند گراهام آدی و ایلکا نینیلوتو با طرح این ادعا که شهود پوپر درباره تقرب به حقیقت اشکالی نداشته و فقط صورت‌بندی مفهوم تقرب به حقیقت دارای اشکال بوده است، درصدد اصلاح تعریف پوپر از تقرب به حقیقت برآمده و اصطلاحی مشابه به نام «حقیقت‌مانندی»[1] را معرفی کرده‌اند. برای مثال می‌توان گفت: ازآنجاکه در واقع تعداد سیارات منظومهٔ شمسی ۹ تاست، هر دو گزاره

الف: تعداد سیارات منظومهٔ شمسی ۱۰ تاست.

ب: تعداد سیارات منظومهٔ شمسی ۱۰۰ تاست.

نادرست هستند، اما به‌طور شهودی مشخص است که الف نسبت به ب به حقیقت نزدیک‌تر است (سیلوس، ۲۰۰۷، ص ۲۵۲).

۲. تقرب به حقیقت از طریق نقد فناوری‌های سخت و مهندسی مرتبط با علم‌ورزی

در ارتباط با نقش‌آفرینی نقد در تقرب به حقیقت نظریه‌های علمی در فلسفه علم سخن بسیار رفته است و ازاین‌جهت به همین اندازه بسنده می‌شود. در ارتباط با نقش فناوری‌های سخت و مهندسی مرتبط با علم‌ورزی هم نیاز چندانی به بحث نیست و در ادامه به اشاره‌ای در این زمینه و بیان چند نمونه بسنده می‌شود.

1 truthlikeness.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

هرچند عقلانیت نقاد به‌لحاظ مفهومی میان علم و فناوری تمایز قائل است، اما به‌لحاظ مصداقی و تحقق خارجی، به‌خصوص در عصر حاضر می‌پذیرد که علم و فناوری به‌شدت درهم آمیخته شده‌اند و تصور دستاورد جدید علمی، در حوزه علوم تجربی، بدون بهره‌گیری از فناوری‌های جدید و پیشرفته ممکن نیست. اگر زمانی نجوم مبتنی بر مشاهدات با چشم غیرمسلح بود، اما پس از مدتی بدون وجود رصدخانه‌های مجهز به تلسکوپ، شناخت بیشتر آسمان محال شد و امروزه برای شناخت بیشتر آسمان نه‌تنها نیازمند رصدخانه‌های بسیار پیشرفته هستیم، بلکه ارسال ماهواره‌های اکتشافی به آسمان در دستور کار قرار گرفته است. در عرصه فیزیک ذرات بنیادین هم آزمایشگاه‌های امروزی بدون مشارکت چندین کشور توسعه‌یافته نمی‌توانند پدید آیند.

رصدخانه پارانال[1] که درحال‌حاضر پیشرفته‌ترین رصدخانه دنیاست و در کشور شیلی واقع شده است، تلسکوپ‌های خیلی بزرگ[2] دارد. برای مثال تلسکوپی با قطر ۸/۲ متر که با آن می‌توان تصاویر اجرام آسمانی کم نور با قدر سی را در یک ساعت نوردهی به‌دست آورد. این بدان معناست که با این تلسکوپ می‌توان ستاره‌ای را مشاهده کرد که چهار بیلیون بار کم‌نورتر از ستاره‌ای است که با چشم غیرمسلح قابل رؤیت است.[3]

در فیزیک ذرات بنیادی امروزه کشف لایه‌های درونی ذرات زیر اتمی مستلزم انجام آزمایش‌های بسیار پیچیده و پرهزینه شده است. برای مثال برخورددهنده هادرونی بزرگ[4] که بزرگترین برخورددهنده ذرات با بالاترین انرژی در جهان است برای تحقیقات هسته‌ای سرن[5] بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ میلادی در همکاری با ده‌هزار دانشمند و صدها دانشگاه و آزمایشگاه از بیش از صد کشور جهان ساخته شد. این برخورددهنده در تونلی با محیط ۲۷ کیلومتر و در عمق ۱۷۵ متری زیر مرز سوئیس-فرانسه نزدیک ژنو قرار دارد. اولین برخوردها در سال ۲۰۱۰ در انرژی ۳/۵ ترا الکترون‌ولت[6] به‌ازای هر اشعه ثبت شد که حدود چهار برابر رکورد جهان تا پیش از آن بود. پس از ارتقای این شتاب‌دهنده انرژی آن به ۶/۵ ترا الکترون‌ولت به‌ازای هر اشعه رسید. این شتاب‌دهنده توانست وجود ذرات «هیگز بوزون» را در ۲۰۱۲ میلادی تأیید کند. مرکز تحقیقاتی سرن تحقیقات خود را درباره «برخورددهنده مدور آینده»[7] با محیط صد کیلومتری (حدود چهار برابر نمونه کنونی) ارائه کرده است که ده بار قدرتمندتر از نمونه فعلی است و برای ساخت آن به ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است.[8]

1 Paranal Observatory.
2 VLT.
۳ ر. ک. https://fa.wikipedia.org/wiki/رصدخانه_پارانال
4 (Large Hadron Collider) (LHC).
5 CERN.
6 TeV.
7 Future Circular Collider.
۸ ر. ک. https://fa.wikipedia.org/wiki/برخورددهنده_هادرونی_بزرگ

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

اگر ارائه نظریه‌های علمی جدید به پیش‌بینی‌های جدیدی منتهی شود که آزمایشگاه‌های کنونی از عهده آن برنیایند، ساخت آزمایشگاه‌های توسعه‌یافته‌تر، یا حتی ارائه ابزارهای اندازه‌گیری به‌لحاظ بنیادی جدید توسط دانشمندان پیشنهاد می‌شود. نقد فناوری‌های سخت و مهندسی در اینجا بدین معناست که نشان داده شود فناوری‌های موجود از عهده آزمون فرضیه‌های جدید برنمی‌آیند و ساخت فناوری‌های بنیاناً جدید یا ارتقای فناوری‌های موجود برای تقرب به حقیقت لازم است.

طبیعی است کشورهایی که بتوانند آخرین فناوری‌های سخت و مهندسی را برای انجام آزمایش‌های علمی در اختیار داشته باشند یا از طریق دیپلماسی علمی (که از مقوله فناوری‌های نرم و انسانی است و در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد) بتوانند از آزمایشگاه‌های بین‌المللی استفاده کنند، این ظرفیت را خواهد یافت که در تولید علم جهانی و تقرب به حقیقت سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند.

۳. تقرب به حقیقت از طریق نقد فناوری‌های نرم و انسانی مرتبط با علم‌ورزی

همان‌طور که در مقدمه بیان شد در عقلانیت نقاد، فناوری‌ها، برساخته‌های بشری هستند برای پاسخ به نیازهای غیرمعرفتی یا تسهیل در پاسخ به نیازهای علمی و ازآنجاکه هدف علم کشف واقع و تقرب به حقیقت است، هر برساخته بشری که تسهیل‌کننده چنین هدفی باشد، در زمره فناوری‌ها قرار می‌گیرد. در ارتباط با فناوری‌های سخت و مهندسی ناظر به علم صحبت شد؛ دسته دیگری از فناوری‌های ناظر به علم، فناوری‌های نرم و انسانی هستند. دانشگاه، پژوهشگاه، انجمن‌های علمی، شاخص‌های علم‌سنجی، همایش‌ها و نشریات علمی، جشنواره‌ها و جایزه‌های علمی و ... به اشکال مختلف از فعالیت‌های علمی حمایت کرده و تسهیلاتی برای علم‌ورزی و در نتیجه تقرب به حقیقت فراهم می‌آورند. حال پرسش این است که نقد این برساخته‌های اجتماعی چه نقشی در تقرب هرچه بیشتر به حقیقت می‌تواند داشته باشد؟ در ادامه به چند نمونه در این زمینه اشاره می‌گردد:

۳-۱-۱. نقد نسل اول دانشگاه و گذار به نسل دوم، زمینه‌ای برای تقرب به حقیقت

دانشگاه یکی از نهادهای علمی یا به تعبیر دیگر فناوری‌های نرم و انسانی ناظر به علم با سابقه‌ای طولانی است. دانشگاه‌های نسل اول، دانشگاه‌های آموزش‌محور بودند. در این نسل تصور رایج بر این بود که حقیقت توسط دیگران کشف شده و دانشگاه‌ها باید از آن دفاع کنند و در شرح و بسط و ترویج آن اهتمام ورزند. کار اصلی این دانشگاه‌ها عمدتاً تربیت نیرو برای تدریس در دانشگاه‌ها یا پر کردن پست‌های مدیریتی و اجرایی کشور بود که هزینه آن نیز از سوی دولت تأمین می‌شد. فرآیند اصلی در دانشگاه‌های نسل اول «آموزش» و عوامل این فرآیند «دانشجو» و «معلمان عالی» بودند. واحدهای ساختاری این نسل از دانشگاه‌ها، «دانشکده» و هدف اصلی آن‌ها عمدتاً «پاسداشت از حقایق» و روش تدریس اغلب «سخنرانی» و روش آموختن نیز در ابتدا «بازخوانی آموزش‌های معلمان» و در ادامه «مطالعه کتب

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

مرجع» بود. فارغ‌التحصیلان این نسل از دانشگاه‌ها موجب بهبود سطح تفکر در جامعه و در ادامه بهبود سطح زندگی از طریق توسعه تفکرگرایی و به‌کارگیری اصول منطقی در پیشبرد جوامع می‌شدند.

تحولاتی که در عرصه علم و جامعه علمی پدید آمد، این ذهنیت را جامعه ایجاد کرد که واقعیت بسیار فراتر از آن چیزی است که قدما به آن رسیده‌اند و در کتب مرجع انعکاس یافته است و درنتیجه وظیفه دانشمند نباید به شرح و بسط و ترویج دستاوردهای علمی گذشتگان محدود شود و دانشگاهی که رسالت خود را به این موارد محدود کند نمی‌تواند در طریق تقرب به حقیقت گام‌های استوار و بلندی بردارد. این تفطن زمینه‌ساز پدید آمدن نسل دوم دانشگاه‌ها (دانشگاه‌های پژوهش‌محور) شد که ضمن فعالیت‌های آموزشی مختص دانشگاه نسل اول، توجه بیشتری به مباحث پژوهشی (برای شناخت حقیقت یا رفع نیازهای فردی و اجتماعی) مبذول داشته است و بر سرعت رشد علمی به‌شدت افزوده است. آموزش عالی پژوهش‌محور در پرتو چنین نگاهی پدید آمد و توسعه یافت (ر. ک. کلاهدوزی، ۱۳۹۴).

۲-۱-۳. وضع و نقد معیارهای ارزیابی مقالات، زمینه‌ساز پیشرفت علم

با ورود دانشگاه‌ها به نسل دوم و اهمیت یافتن پژوهش در آن‌ها، نتایج پژوهش‌ها ابتداً به‌صورت مقاله در همایش‌ها و نشریات علمی ارائه گردیده و سپس در قالب کتاب عرضه شدند و در مجموع این ذهنیت را پدید آوردند که رشد تعداد همایش‌ها، نشریات و مقالات و دیگر آثار علمی می‌تواند نشانه پیشرفت علم و تقرب به حقیقت باشند. اما به مرور زمان جامعه علمی متوجه شد که این تصور نادرست است و ارائه مقاله در همایش یا نشر آن در یک نشریه علمی ضرورتاً به این معنا نیست که حقیقت تازه‌ای کشف شده است و این پرسش مطرح شد که چه زمان می‌توان مقاله‌ای را واجد جنبه‌های نوآورانه دانست که گامی به‌سوی شناخت حقیقت جدید برداشته است؟ با این پیش‌فرض که جامعه علمی علاقمند کشف حقیقت است و چنانچه ایده جدیدی در قالب مقاله مطرح گردد و از استحکام نظری و شواهد مناسب برخوردار باشد، جامعه علمی به آن توجه کرده و در مقام تأیید یا نقد آن برمی‌آید و در تحقیقات خود به آن ارجاع می‌دهد، سنجه‌ای با عنوان ضریب تأثیر مقالات و مجلات ارائه شد که مطابق بحث مطرح‌شده می‌توان آن را فناوری نرم و انسانی قلمداد کرد که هدف آن تسهیل در دست‌یابی به هدف علمی (تقرب به حقیقت) است.

ضریب تأثیر[1] مجله‌ها اولین بار توسط یوجین گارفیلد و آیروینگ شر در دهه ۱۹۶۰ به مؤسسه اطلاعات علمی[2] آمریکا ارائه شد تا در انتخاب مجله‌های علمی برای نمایه استنادی علوم به‌کار گرفته شود. این فاکتور در حقیقت، توانایی مجله و هیئت تحریریه آن را در جذب بهترین مقاله‌ها و ارزیابی دقیق آنها نشان می‌دهد. ضریب تأثیر در واقع بیان‌گر آن است که به‌طور متوسط، به هر مقاله منتشرشده

1 impact factor:IF.
2 ISI.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

در یک مجله، چند بار ارجاع می‌شود. به‌این‌ترتیب از یک‌سو مقالاتی که واجد نوآوری بودند و مورد توجه جامعه علمی قرار می‌گرفتند شناسایی می‌شدند و ازسوی‌دیگر نشریاتی که به‌عنوان یک جامعه علمی کوچک، توان جذب بهترین مقالات، ارزیابی دقیق آن‌ها و حتی غنا بخشیدن به محتوای علمی آن‌ها را داشتند معرفی می‌گردیدند.

ضریب‌تأثیر به‌عنوان یک سنجه یا فناوری نرم و انسانی در مقطعی نشان‌دهنده کیفیت علمی یک مقاله یا یک نشریه علمی بود. اما نکته‌ای در مباحث فلسفه فناوری مطرح می‌گردد که هرچند یک فناوری در آغاز برای دست‌یابی به هدف خاصی طراحی و ساخته می‌شود، اما ازآنجاکه توان علّی آن مستقل از طراح و سازنده آن است، آن فناوری می‌تواند توسط کنشگران دیگر برای دست‌یابی به اهداف دیگر به‌کار گرفته شود. برای مثال چاقویی که برای پوست کندن میوه درست شده است می‌تواند توسط فردی برای کشتن انسانی به‌کار گرفته شود. وقتی ضریب تأثیر به‌عنوان یک ویژگی مثبت برای مقاله و در نتیجه برای نشریات علمی قلمداد گردید، عده‌ای درصدد برآمدند با ارجاع بی‌جهت به آثار خود (ارجاع یک نویسنده به آثار پیشین خود در مواقعی که ایده‌ای برای اولین بار توسط همان نویسنده در آثار قبلی مطرح شده، مشکلی ندارد)، کوشیدند ضریب تأثیر مقالات خود را افزایش دهند تا جامعه علمی به آنها توجه کند. در این مرحله خود ارجاعی بی‌جهت به‌عنوان یک ویژگی منفی در فرایند علم‌سنجی وارد گردید. ازسوی‌دیگر اینکه یک ایده جدید تا چه زمان توسط جامعه علمی جدی و مهم قلمداد شده و در عرصه علمی باقی می‌ماند به‌لحاظ آماری نشانه‌ای است بر اینکه احتمالاً آن ایده بهره بیشتری از حقیقت دارد. بدین‌ترتیب شاخص‌های علم‌سنجی به مرور زمان و ازطریق نقد شاخص‌های پیشین و اصلاح آن، تکامل یافت تا در مسیر تقرب به حقیقت کارآمدی افزون‌تری پیدا کند. مفاهیمی همچون استناد،[1] خود استنادی،[2] تحلیل استنادی،[3] ضریب تأثیر مجلات،[4] ضریب تأثیر رشته،[5] ضریب نفوذ مقالات مجله،[6] شاخص فوریت،[7] نیم‌عمر متون یا کهنگی متون،[8] نیمه عمر استناد،[9] ارزش متیو[10] و ... از مفاهیمی هستند که به مرور در فرایند علم‌سنجی وارد شدند و نرم‌افزارهای کامپیوتری برای ارزیابی آن‌ها ساخته و توسط مراکز علم سنجی به کار گرفته شد.[11]

1 Citation.
2 Self-Citation.
3 Citation Analysis.
4 Journal Impact Factor(JIF).
5 Discipline Impact Factor(DIF).
6 Article Influence Score.
7 Immediacy Index.
8 Literature Obsolescence.
9 Cited Half – Life.
10 Mathew Value.

۱۱ ر. ک. https://birjand.ac.ir/lib/fa/page/3427/شاخص-های-علم-سنجی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

البته این بدان معنا نیست که مقاله‌ای که در یک نشریه بـا ضـریب تـأثیر بـالا منتشـر شـده اسـت، ضرورتاً نسبت به مقاله دیگری که در نشریه‌ای با ضریب تأثیر کمتر منتشر شده، از ارزش علمی بالاتر و تقرب بیشتر به حقیقت برخوردار باشد، اما در مجموع و به‌لحاظ آماری می‌توان مدعی شد نشریه‌ای بـا ضریب تأثیر بالاتر به‌واسـطه برخـورداری از هیئـت تحریـه تخصصـی و فراینـد داوری دقیـق‌تر و نشـر مقالات ارزشمندتر توانسته است نظر جامعه علمی را که به‌دنبال حقیقت است، به خـود جلـب کنـد و لذا احتمال اینکه مقاله چنین نشریه‌ای بهره بیشتری از حقیقت داشته باشد بیشتر است.

البته مسئله بحران علم‌سنجی با این تکنیک‌های ساده برطرف نشده است. منجمی و مقدم حیـدری در مقاله خود (۱۴۰۲، ص ۲۰۷)، پس از اشاره به تاریخچه پیدایش علم‌سنجی، به این نکتـه اشـاره می‌کننـد که «رویکرد پوزیتیویستی در علم‌سنجی سبب شده است، میان آنچه در حوزه‌های علمی در جریان است، با آنچه علم‌سنجی به‌عنوان علم در نظر می‌گیرد، شکاف عمیقی وجود داشته باشد». این بدان معناست کـه هرچند در جامعه علمی تلاش برای رسیدن به حقیقت انجام می‌شود، اما نمی‌توان گفـت مقـالاتی کـه در علم‌سنجی‌های رایج جایگـاه بـالایی دارنـد، ضـرورتاً از تقریـب بیشـتری بـه حقیقـت نیـز برخوردارنـد. نویسندگان در ادامه نشان می‌دهند که بحران علم‌سنجی در علوم انسانی گسترده و عمیق‌تر است. ندرهوف به تفاوت‌های اساسی دستاوردهای علوم پایه و علوم انسانی و اجتمـاعی اشـاره می‌کنـد (انتشـار در قالـب مقاله کمتـر و در قالـب کتـاب بیشـتر، سـرعت متفـاوت توسـعه نظـری، پژوهش‌هـای فـردی بیشـتر، بـه اشـتراک‌گذاری بیشـتر پژوهش‌هـا در سـپهر عمـومی) و نشـان می‌دهـد کـه ایـن تفاوت‌هـا در مـدل‌های علم‌سنجی رایج لحاظ نشده و ازاین‌رو به این تحلیل غلط انجامیده است که علوم انسـانی و اجتمـاعی در مقایسه با سایر علوم تولیدات کمتری دارند (همان، ص ۲۰۸). بر مبنای این مقاله می‌تـوان بـه ایـن نتیجـه رسید که اگر قرار است علمی‌سنجی ابزاری برای سنجش میزان تقرب به حقیقـت باشـد، بایـد ملاحظـات فلسفه علمی مبتنی بر رویکردهای واقع‌گرایانه در تعیین شاخص‌های علم‌سنجی مدنظر قرار گیرد.

۳-۱-۳. رتبه‌بندی دانشگاه‌ها

رتبه‌بندی‌های کیو اس،[1] شانگهای،[2] تایمز[3] و یو اس نیوز،[4] چهار رتبه‌بندی مشهور دانشـگاه‌ها هسـتند. رتبه‌بندی تایمز به‌عنوان معتبرترین نظام رتبه‌بندی هر سال لیستی از دانشگاه‌های برتـر را ارائـه می‌دهـد. این رتبه‌بندی اولین بار در سال ۲۰۰۰ منتشر شد و تا سال ۲۰۱۰ به دلیل همکاری مجلـه تـایمز و کیـو اس، به نام امتیازبندی تایمز کیو اس شناخته می‌شد. پس از این تاریخ مجله تایمز همکاری خـود را بـا کیو اس قطع کرد و با مؤسسه تامسون رویترز قرارداد کاری جدیدی را امضـا و همکـاری خـود بـا ایـن

1 QS Ranking.
2 ARWU.
3 THE.
4 US News.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

شرکت را آغاز کرد. میزان اعتبار پژوهش، چاپ مقالات در روزنامه‌های معتبر علمی، چاپ مقالات در مجلات ISI، میزان ارجاعات به مقالات، نسبت استاد به دانشجو، میزان اختراعات، تعداد برنده‌های جایزه نوبل یا سایر جوایز علمی بین‌المللی و ... از معیارهای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها هستند.[1] رتبه‌بندی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک شاخص علم‌سنجی موجب جلب نظر بیشتر اساتید و پژوهشگران کیفی برای همکاری با آن دانشگاه‌ها شده و همین امر توفیقات آن دانشگاه‌ها را در فعالیت پژوهشی و کشف نظریه‌های علمی و تقرب بیشتر به حقیقت افزون‌تر خواهد کرد.

۴. امکان کاربرد بهینه معیارهای جهانی علم‌سنجی در ایران جهت تقرب به حقیقت

همان‌طور که اشاره شد یک فناوری خاص، در یک محیط خاص، برای دست‌یابی به یک هدف خاص طراحی و ساخته می‌شود و به مرور زمان از طریق نقد اصلاح گردیده و توسعه می‌یابد و کارآمدی بیشتری برای دست‌یابی به هدف در موقعیت در حال تحول پیدا می‌کند. حال پرسش اینجاست که آیا با انتقال فناوری از یک موقعیت (معمولاً موقعیتی که فناوری در آن ساخته شده و توسعه یافته است) به موقعیت دیگر، کارآمدی آن فناوری مشابه موقعیت اول خواهد بود؟ برای روشن شدن مطلب مسئله، تمثیلی از فناوری سخت بیان می‌شود. اگر یک گوشی تلفن همراه پیشرفته به یک قبیله بدوی برده شود، ازآنجاکه این فناوری پیشرفته در شبکه معنایی و مفهومی آن‌ها جایی ندارد، بدون ارائه آموزش‌های لازم و تغییر در شبکه معنایی آن‌ها، کاربرد بهینه‌ای نخواهد داشت و شاید در نهایت به منزله شیئی برای شکستن هسته میوه‌ای از آن استفاده شود. همچنین فرض کنیم خودرویی برای یک محیط سرد طراحی شده است. بی‌شک تمامی قطعات این خودرو برای عملکرد بهینه در چنین محیطی ساخته شده و توسعه خواهد یافت. حال اگر قرار باشد این خودرو در محیط گرم به‌کار گرفته شود، باید تنظیماتی روی آن (برای مثال جنس و فشار باد لاستیک یا مایع رادیاتور) صورت گیرد تا بتواند در محیط دوم کارآمدی بهینه داشته باشد. بنابراین برای کارآمدی بهینه فناوری ساخته‌شده و توسعه‌یافته در موقعیت الف، در موقعیت ب، هم باید تنظیماتی در شبکه معنایی موقعیت ب انجام گیرد، هم تنظیماتی در فناوری ساخته‌شده در موقعیت الف.

حال باتوجه‌به اینکه فناوری‌های نرم و انسانی به محیط فرهنگی و اجتماعی حساسیت بیشتری دارند، برای انتقال آن‌ها از موقعیتی به موقعیت دیگر، نکات بسیار بیشتری را باید درنظر داشت. یک فناوری نرم و انسانی که با مفاهیم اعتباری سروکار دارد، وقتی در موقعیتی کارآمدی بهینه خواهد داشت که در شبکه معنایی کاربران آن فناوری جایگاه مناسبی داشته باشد. اینکه مشاهده می‌کنیم ایران واجد فناوری‌های نرم و انسانی و نهادی مرتبط با علم (برای نمونه دانشگاه، پژوهشگاه، انجمن علمی،

۱ ر. ک. https://iranpaper.ir/blog/رتبه-بندی-دانشگاه-های-جهان/

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

همایش و نشریات علمی) هست، اما به‌لحاظ تولید علم، مطابق با شاخص‌های جهانی جایگاه مناسبی در عرصه بین‌المللی ندارد، شاید به این دلیل است که این نهادها در شبکه معنایی کنشگران مرتبط، موقعیت مناسبی نیافته‌اند و در نتیجه نتوانسته‌اند نخبگان علمی کشور را در ساختارهای موجود علمی به‌خوبی به‌کار گیرند و برخی از نخبگان علمی کشور نیز جذب نهادهای علمی کشورهای توسعه‌یافته شده و توان علمی خود را در مسیر اعتلای علمی کشورهای دیگر به‌کار می‌گیرند.

البته در این زمینه باید به تفاوتی که میان حوزه‌های مختلف علوم در کشور وجود دارد توجه داشت. متوسط رتبه ایران در علومی مانند ریاضیات، شیمی، فیزیک، پزشکی، مهندسی پلیمر، مهندسی نانو در حدود بیست است و علوم انسانی از آن فاصله زیادی دارد. به‌عبارت‌دیگر مشارکت ایران در عرصه تولید علم جهانی (در علوم پایه، مهندسی و پزشکی) با شاخص نشر مقاله در نشریات بین‌المللی معتبر بالاست و در مقابل سهم ایران در عرصه بین‌المللی در حوزه علوم انسانی (جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و اقتصاد و...) نسبت به علوم پایه، مهندسی و پزشکی پائین است.[1]

در یک تحلیل اولیه می‌توان گفت ازآنجاکه:

۱. در شاخه‌های علوم پایه (مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی) پارادایم واحدی (فارغ از اینکه آیا اصطلاح پارادایم را درباره تمامی این دانش‌ها می‌توان به‌کار گرفت یا خیر) وجود دارد که فعالیت‌های علمی دانشمندان را هدایت می‌کند و برای آن‌ها مسائل، مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های ارزیابی واحدی در عرصه بین‌المللی وجود دارد؛

۲. بخش اصلی این دسته از علوم با حساسیت‌های فلسفی و دینی کمتری روبه‌رو هستند (مبانی و دلالت‌های فلسفی و دینی فرضیه‌های بنیادین این علوم استثنا هستند؛ ولی بخش عمده کنشگران این رشته‌های علمی کمتر به این مسائل می‌پردازند) و جریان رقیبی در عرصه علمی در کشور برای آن‌ها وجود ندارد؛

در نتیجه فعالان این حوزه راحت‌تر می‌توانند با فراگیری مستقیم (از طریق تحصیل در دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته) و غیرمستقیم (از طریق فراگیری دستاوردهای علمی کشورهای توسعه‌یافته در داخل کشور) در عرصه بین‌المللی مشارکت علمی داشته باشند.

۵. دشواری استفاده از معیارهای جهانی علم‌سنجی در حوزه علوم انسانی در ایران

با وجود تنوع مکاتب در شاخه‌های مختلف علوم انسانی، مشاهده می‌شود که رتبه کشورهای توسعه‌یافته در علوم پایه، مهندسی و پزشکی، با اندک اختلافی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و

۱ ر. ک. https://ensani.ir/fa/article/241605/شاخص-های-جدید-علم-سنجی-و-مقایسه-پایگاه-های-وبگاه-علوم-و-اسکوپوس-و-گوگل-اسکولار

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

اجتماعی تکرار می‌شود.[1] به‌عبارت‌دیگر کشورهای توسعه‌یافته در علـوم پایـه، مهندسـی و پزشـکی، در علوم انسانی و اجتماعی نیز پیش‌رو هستند و این نشان از آن دارد کـه نهادهـای علمـی ایـن کشـورها و برساخته‌های فناورانه آن‌ها (ازجمله شاخص‌های علم‌سنجی و سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های علمی) در دو حوزه علوم طبیعی، مهندسی و پزشکی از یک‌سو و علوم انسانی و اجتماعی ازسوی‌دیگر یکنواخـت عمل کرده‌اند. این در حـالی اسـت کـه دانشـگاه‌های ایـران در شـاخه‌های مختلـف علـوم انسـانی در جایگاه‌های پایین قرار دارند و بالاترین جایگاه مربوط به اقتصاد و اقتصادسنجی دانشگاه شریف است.[2]

در تحلیل این ارزیابی می‌توان به عوامل چندی اشـاره کـرد. بـرای نمونـه در ایـران پـس از انقـلاب باتوجه‌به حساسیتی که نسبت به علوم انسانی و اجتماعی غربی بـوده، عـلاوه بـر کثـرت مکاتـب علـوم انسانی و اجتماعی رایج در عرصه بین‌المللی که نشـریات بین‌المللـی دانشـگاهی بـا آن آشـنا هسـتند، جریان دیگری پدید آمده است که به‌دنبال علوم انسانی اسلامی است و نشریات بین‌المللی معتبر کمتـر با آن آشنا هستند. براین‌اساس بخشی از ظرفیت علوم انسـانی و اجتمـاعی کشـور در حـوزه‌ای فعالیـت می‌کنند که کمتر برای نشریات بین‌المللی آشنا هسـتند و در نتیجـه میـان مسـائل، مفـاهیم، روش‌هـا و معیارهای سنجش و ارزیابی آن‌ها با معیارهای رایج در نشریات علمی بین‌المللی فاصله زیادی هسـت. همچنین حساسیت نسبت به علوم انسانی غربی موجب شده در سال‌های اخیر تحصیل خارج از کشور در رشته‌های علوم انسانی با دشواری همراه شود و در مجموع ایـران بـه وضـعیتی رسـیده اسـت کـه در استفاده از دستاوردهای علوم انسانی غربی هم به‌روز نیست و از همین رو است که یکی از معانی تحول در شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، به‌روزرسانی آن اعلام شده است.[3]

ادعای جریان منتقد علوم انسانی و اجتماعی رایـج در عرصـه بین‌المللـی ایـن اسـت کـه ایـن علـوم از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی نادرستی بهره‌می‌گیرند و درنتیجه نمی‌توانند مـا را در رسیدن به حقیقت مدد رسانند. با فرض صحت این ادعا پرسش اینجاست که اگر علوم انسـانی غربـی سکولار در تقرب به حقیقت با مشکل روبه‌رو هستند، علی‌القاعده شاخص‌های علم‌سنجی مربوط بـه ایـن علوم نیز در راستای تقرب به حقیقت تکامل نیافته‌اند؛ پس چرا نظام علم‌سنجی ایران، وضعیت این علوم را بر مبنای شاخص‌هایی ارزیابی می‌کند که در جهت تقرب به حقیقت شکل نگرفته و توسعه نیافته‌اند.

البته در سال‌های اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته که علم‌سنجی در عرصه علوم انسـانی و اجتمـاعی کشور بر مبنای شاخص‌های ارزشی و بینشی ایران اسلامی انجـام گیـرد. بـرای نمونـه: تأسـیس هیئـت حمایت از کرسی‌های آزاداندیشی و نقد و مناظره (در سال ۱۳۸۲)، تأسیس مؤسسه اسـتنادی و پـایش

۱ ر. ک. https://malekpourmie.net/رتبه-بندی-دانشگاه-های-جهان/

۲ ر. ک. (https://www.mehrnews.com/news/5327705/برترین-دانشگاه-های-جهان-در-گروه-علوم-انسانی-معرفی-شدند)

۳ ر. ک. https://www.mehrnews.com/news/2238920/ تحول-و-ارتقا-در-علوم-انسانی-شامل-اسلامی-سازی-به-روزرسانی-کارآمدسازی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

علم و فناوری جهان اسلامی[1] (در سال ۱۳۸۷). اما نکته اینجاست که ارزیابی جایگاه علمی ایران در عرصه بین‌المللی کماکان بر مبنای همان شاخص‌های جهانی اعلام می‌شود که مراکز بین‌المللی انجام می‌دهند که در ادامه به آن اشاره می‌گردد.

۶. تردید کلی در به کارگیری شاخص‌های علم سنجی بین‌المللی در ایران

رهبر انقلاب در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۸۸ بیان داشته‌اند: «من درباره علوم انسانی گلایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم. علوم انسانی غربی بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. این علوم انسانی مبتنی بر جهان‌بینی و فهم دیگری از عالم آفرینش و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به‌صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، در دانشگاه‌های خودمان تعلیم می‌دهیم؛ درحالی‌که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن‌وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و براین‌اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن‌وقت هم می‌توانند از دستاوردهای غربی‌ها در علوم انسانی استفاده کنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد».[2]

اگر مبنای نقد علوم انسانی و اجتماعی غربی را بپذیریم، و به واسطه آن، استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی در این دسته از علوم را به چالش کشیم و نقش آن‌ها را در تقرب به حقیقت زیر سؤال بریم؛ چالش دیگری پیش روی ما قرار خواهد گرفت: چه تفاوت ماهوی بین علوم انسانی و اجتماعی غربی سکولار با جهان‌بینی مادی و علوم پایه تجربی (فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی) و مهندسی و پزشکی وجود دارد؟ مگر نه این است که دست‌کم طبیعت‌گرایی روش‌شناختی (اگر نگوییم طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی) مبنای اصلی علوم پایه تجربی، مهندسی و پزشکی است؟ و این مبنای روش‌شناختی موجب سکولار شدن این دسته از علوم شده است. و این مبنای روش‌شناختی با این آموزه اساسی اسلامی که دست خدا را در طبیعت باز می‌داند در تعارض است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»(مائده: ۶۴). پرسش اینجاست که آیا با شاخص‌های علم‌سنجی جهانی که در راستای توسعه علمی پدید آمده است که مبنای آن بسته‌بودن دست خداست، می‌توان به حقیقت نزدیک شد؟

---

1 ISC.

۲ ر. ک. https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

سیداحمد فاضل‌زاده رئیس مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC) در گزارش ۲۰ خرداد ۱۴۰۲ خود از وضعیت علمی کشور می‌گویند: رصد تولیدات علمی و فناوری در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در سطح کلان و در جهت توسعه پایدار انجام می‌گیرد. اهداف توسعه پایدار[1] مجموعه‌ای از هفده هدف جهانی است که به‌منظور ارائه طرحی برای دستیابی به آینده بهتر و پایدارتر برای همگان، طراحی شده است. این اهداف در سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل متحد به‌عنوان یک فراخوان جهانی جهت اقدام برای پایان دادن به فقر، حفاظت از کره زمین و تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همه مردم از صلح و رفاه برخوردار خواهند بود، تصویب شد. به دلیل اهمیت این اهداف، نظام رتبه‌بندی تایمز که از مهم‌ترین و مشهورترین نظام‌های رتبه‌بندی در جهان است و هرساله دانشگاه‌ها را در سطوح مختلف مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌دهد، یک رتبه را با نام رتبه‌بندی تأثیر[2] ارائه داده است و دانشگاه‌های جهان را براساس مشارکت در تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل رتبه‌بندی می‌کند. جدول ۱ اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار

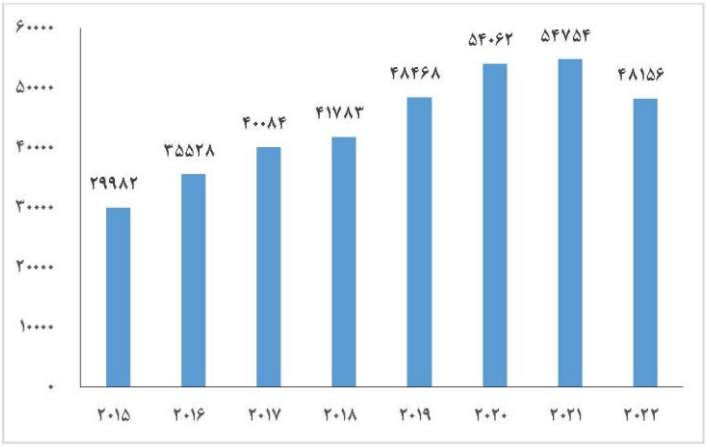
Goal	17 Sustainable Development Goals	اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار	هدف
Goal 1	No Poverty	ریشه کن کردن فقر	۱
Goal 2	Zero Hunger	ریشه کن کردن گرسنگی	۲
Goal 3	Good Health and Well-Being	سلامتی و تندرستی	۳
Goal 4	Quality Education	آموزش با کیفیت	۴
Goal 5	Gender Equality	برابری جنسیتی	۵
Goal 6	Clean Water and Sanitation	آب تمیز و سیستم تخلیه فاضلاب	۶
Goal 7	Affordable and Clean Energy	انرژی مقرون به صرفه و پاک	۷
Goal 8	Decent Work and Economic Growth	کار شایسته و رشد اقتصادی	۸
Goal 9	Industry, Innovation and Infrastructure	صنعت، نوآوری و زیرساخت	۹
Goal 10	Reduced Inequalities	کاهش نابرابری	۱۰
Goal 11	Sustainable Cities and Communities	شهرها و جوامع پایدار	۱۱
Goal 12	Sustainable Consumption and Production	مصرف و تولید مسئولانه	۱۲
Goal 13	Climate Action	اقدام برای جلوگیری از تغییرات آب و هوایی	۱۳
Goal 14	Life Below Water	زندگی زیر آب	۱۴
Goal 15	Life on Land	زندگی در خشکی	۱۵
Goal 16	Peace, Justice and Strong Institutions	صلح، عدالت و نهادهای قوی	۱۶
Goal 17	Partnerships for the Goals	مشارکت برای رسیدن به اهداف	۱۷

1 Sustainable Development Goals.

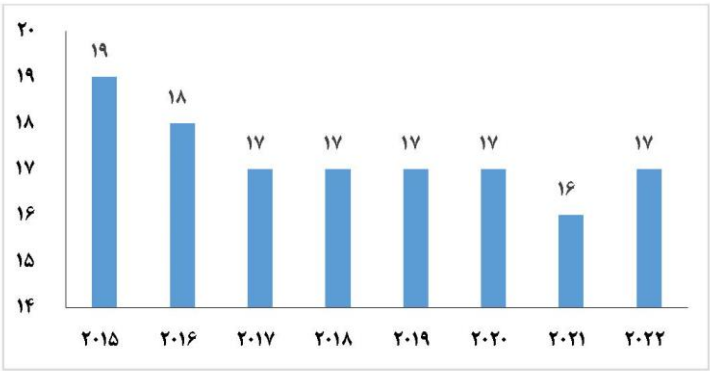
2 Impact Rankings.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

وی ادامه داد: در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲، در اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار بیشترین آثار علمی در سال ۲۰۲۱ بوده است که براساس این مدارک، بهترین رتبه جمهوری اسلامی ایران نیز در همین سال به‌دست آمده است، که رتبه شانزده بوده است. همچنین در سال ۲۰۲۲ ایران با انتشار ۴۸۱۵۶ مدرک علمی جایگاه هفده را در سطح جهان کسب نموده است.[۱]



نمودار ۱. تعداد مدارک علمی جمهوری اسلامی ایران در پایگاه **WoS** در اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار



نمودار ۲. جایگاه جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدارک علمی در پایگاه **WoS** در اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار

۱ به نقل از https://isc.ac/fa/news/2045/مسیر-تولید-علم-جمهوری-اسلامی-ایران-در-راستای-اهداف-توسعه-پایدار-جهانی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

این درحالی است که رهبر انقلاب در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ فرمودند: «فکر کنیم چرا این قدر طواغیت و فراعنه عالَم اصرار دارند که در آموزش‌وپرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؟ چرا باید کشوری مثل ایران، با این فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ برجسته درخشان ایرانی، تحت‌تأثیر تعلیمات کسانی که تمدّن و فرهنگشان مادّی و غلط و شکست‌خورده است قرار گیرد؟ امروز فلسفه اجتماعی غرب در خود غرب شکست خورده است. به این توجّه داشته باشید که اصرار آنها بر نفوذ در آموزش‌وپرورش به خاطر این است که این‌ها کارهایی را که به‌وسیله نظامی به‌آسانی نمی‌توانند انجام بدهند، به این وسیله می‌توانند انجام بدهند». به عقیده ایشان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علمی مبتنی بر سند توسعه پایدار به این معناست که اختیار مهم‌ترین مسئله کشور را در دست دیگران قرار دهیم (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷) و مناسبات فکری کشور طبق تفکر غربی باشد تا در نهایت برای غربی‌ها سرباز و پشتیبان و رعیت تربیت شود (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸). ایشان همچنین تأکید داشتند «کسانی که سند توسعه پایدار را فراهم می‌کنند چه حقّی دارند که درباره کشورها و ملّت‌ها و سنّت‌ها و عقایدشان اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید. سطحی‌نگری است اینکه برخی می‌گویند این سند الزام‌آور نیست. درواقع، همه این‌ها الزام‌آور است، و هرکدام از این‌ها که تحقّق پیدا نکند، به‌عنوان یک نقطه منفی به‌حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، تهِ جدول قرار می‌گیرید و فلان امتیاز از شما سلب می‌شود» (۳۱ خرداد ۱۳۹۶).

۷. جهت‌داری ارزشی فناوری؛ به‌خصوص فناوری‌های نرم و انسانی

بیانات رهبر انقلاب در ارتباط با سند توسعه پایدار بازگوکننده همان بحثی است که در ادبیات فلسفه فناوری تحت عنوان جهت‌داری ارزشی فناوری مطرح می‌شود (شه‌گلی، ۱۳۹۸ و مطیع، ۱۳۹۹). همان‌طور که بیان شد فناوری‌ها برساخته‌های آدمیان هستند برای رفع نیازها، و نیازها به‌جز اندکی از آن‌ها که منشأ زیستی دارند، نیازهای فرهنگی و درنتیجه به‌لحاظ ارزشی جهت‌دار هستند (پایا، ۱۳۹۱). حال اگر پذیرفتیم که فناوری‌های سخت و مهندسی و به‌خصوص فناوری‌های نرم و انسانیِ ساخت تمدن غربی، فناوری‌هایی هستند برای ارضای شبکه نیازهای تمدن غربی که مبتنی بر مبانی نادرست (ازجمله تمتع هرچه بیشتر از دنیا) استوار گردیده‌اند، خواهیم پذیرفت که فناوری‌های نرم و انسانی در عرصه علم‌سنجی و سیاست‌گذاری علمی در غرب نیز در نهایت چنین شبکه نیازمندی‌هایی را تأمین می‌کنند.

ازسوی‌دیگر اگر مراجعه‌ای داشته باشیم به اسناد بالادستی کشور، به‌ویژه اسنادی که در ارتباط با علم و فناوری و پیشرفت تدوین شده‌اند (برای نمونه نقشه جامع علمی کشور یا سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) درمی‌یابیم که جهت‌گیری ارزشی این اسناد، که عمدتاً در مبانی نظری این نقشه‌ها یا اسناد نمودار شده است، در مسیری متفاوت از جهت‌گیری توسعه علمی و فناورانه غرب است:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

«حاکمیت جهان‌بینی توحیدی اسلام در تمام ابعاد علم و فناوری»، «علم هدایتگر و هدفمندی آخرت‌گرایانه علم و فناوری»، «کرامت انسان با تکیه بر فطرت حقیقت‌جو، عقل‌گرا، علم‌طلب و آزادگی وی»، «ایجاد تحول بنیادین علمی به‌خصوص در بازبینی و طراحی علوم انسانی در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی»، «اخلاق‌محوری، تقدم مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی، تقویت روحیه تعاون» برخی از ارزش‌های پایه نقشه جامع علمی کشور هستند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). همچنین مطابق پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)،[1] مبنایی‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است و اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی و انتظار می‌رود با اجرای این سند، در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دین‌دار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، هویت ملی و میراث انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی و شاغل در حرفه متناسب‌اند و از احساس امنیت، آرامش، آسایش، سلامت و امید زندگی در سطح برتر جهانی برخوردار باشند و ایران به پیشتاز در تولید علوم انسانی اسلامی و فرهنگ متعالی در سطح بین‌المللی تبدیل گردد.

حال پرسش اینجاست که وقتی زیرمجموعه وزارت علوم که مسئولیت علم‌سنجی کشور را برعهده دارد، ارزیابی وضعیت علمی کشور را براساس اهداف هفده‌گانه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ ارائه می‌کند، چه تضمینی وجود دارد که سیاست‌ها، برنامه‌ها، هزینه‌ها و تلاش‌های فردی و جمعی کنشگران علمی کشور در مسیر آرمان‌های نقشه جامع علمی کشور یا سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد؟

نکته اینجاست که در همین اسناد تأکید شده است که ایران باید «دانشمندانی در طراز برترین‌های جهان داشته باشد» و «در مرزهای دانش و فناوری پیشتاز و مرجع باشد» و «جایگاه اول علم و فناوری در جهان اسلام را به دست آورد»(نقشه جامع علمی کشور)؛ همچنین «در میان پنج کشور پیشرفته جهان در تولید اندیشه، علم و فناوری جای گیرد» و «دارای یکی از ده اقتصاد بزرگ دنیا باشد» (سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت). پرسش اینجاست که دستیابی به چنین موقعیت‌هایی براساس کدام شاخصه‌های سنجش علم و فناوری قرار است دنبال شود؟ و اگر مقایسه ایران در پیشرفت علم و

۱ . این سند در سال ۱۳۹۷ در نه بند توسط رهبر انقلاب جهت بررسی، اصلاح و تکمیل، ظرف دو سال ابلاغ گردید. نسخه نهایی این سند تفاوت بنیادینی با نسخه ۱۳۹۷ ندارد، و تاکنون ابلاغ نشده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

فناوری، براساس معیارهای جهانی صورت می‌گیرد، آیا این معیارها ضرورتاً می‌توانند ایران را به آرمان‌های مندرج در اسناد بالادستی که یکی از آنها تقرب به حقیقت است برسانند؟

۸. گونه‌های مختلف مواجهه با شاخص‌های علم‌سنجی جهانی

اگر پذیرفتیم که شاخص‌های علم‌سنجی در غرب سکولار، درنهایت بر پایه نیازهای صرفاً دنیوی طراحی و توسعه یافته و ضرورتاً نمی‌تواند زمینه‌ساز تقرب به حقیقت باشد؛ و دستیابی به حقیقت نه در پرتو نگرش تضاد یا استقلال علم و دین، بلکه در پرتو دیدگاه گفت‌وگو و همکاری علم و دین (باربور، ۱۳۹۲) ممکن است، این پرسش مطرح می‌گردد که در قبال چنین شاخص‌های علم‌سنجی‌ای که در بهترین حالت در آنها به معرفت دینی توجهی نشده است، چه باید کرد؟ آیا این شاخص‌های علم‌سنجی به‌مثابه یک کل هستند که یا باید آن‌ها را به کل قبول کرد یا به کل کنار گذاشت؟ و اگر پذیرفتیم که این شاخص‌ها را به‌عنوان فناوری‌های نرم و انسانی نمی‌توانیم به‌طور کامل بپذیریم، تنها راه پیش روی ما طرد کامل آنهاست؟ و آیا اصولاً چنین کاری در موقعیت کنونی ممکن است؟

یا اینکه شاخص‌های علم‌سنجی جهانی به‌مثابه فناوری‌های نرم و انسانی متشکل از اجزایی است که می‌توان برخی را اخذ و برخی دیگر را طرد کرد؟ یا تغییراتی در آن اعمال کرد و اجزای جدیدی را به آن افزود؟ و به‌عبارت‌دیگر مواجهه ما با شاخص‌های علم‌سنجی جهانی، تهذیب و تکمیل آن بر مبنای نظام ارزشی و بینشی خودمان باید باشد، به‌گونه‌ای که ازیک‌سو بتواند موقعیت علمی ما را در عرصه جهانی بسنجد و ازسوی‌دیگر بتواند موقعیت علمی ما را در نسبت با ارزش‌ها و آرمان‌های مندرج در اسناد بالادستی کشور ارزیابی کند؟

البته شاید وضعیت ایدئال آن باشد که رویکردهای تأسیسی در پیش گرفته شود و شاخص‌های علم سنجی کاملاً بومی و اسلامی متناسب به نظام ارزشی و بیشنی خود که در اسناد بالادستی بر آن تأکید شده ارائه گردد و نهادهای علم‌سنجی موازی علم‌سنجی جهانی تأسیس گردد و تلاش شود که کارآمدی این شاخص‌های علم‌سنجی در تقرب به حقیقت بر همگان آشکار شود و ... اما باید توجه داشت تا زمانی که شبکه معنایی و مفهومی کنشگران علمی، متناسب به این نظام ارزشی و بینشی تغییر نکرده باشد، این شاخص‌های جدید علم‌سنجی، به‌مثابه فناوری‌های نرم و انسانی نمی‌تواند در موقعیت کنونی کارآمدی لازم را داشته باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که در مقاله مطرح گردید این نتیجه به‌دست می‌آید که نقد از سه طریق می‌تواند به تقرب هرچه بیشتر به حقیقت کمک کند:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

۱. ازطریق نقد نظریه‌های علمی مطرح‌شده به استناد شواهد تجربی یا تحلیل‌های نظری و تلاش برای رفع نواقص نظریه موجود یا ارائه نظریه جدیدی که واجد جنبه‌های حقیقت‌نمایی نظریه موجود و فاقد مشکلات آن باشد.

۲. ازطریق نشان‌دادن ناکارآمدی فناوری‌های سخت و مهندسی موجود (برای مثال از این جهت که توان آزمون پیش‌بینی‌های نظریه‌های علمی جدید را ندارند) و تلاش برای ارتقای این فناوری‌ها یا پایه‌گذاری فناوری‌های کاملاً جدید.

۳. ازطریق نقد فناوری‌های نرم و انسانی که برای تسهیل دستیابی به اهداف علمی ساخته شده‌اند. برای مثال نقد نهادهای متولی علم در کشو، نقد سیاست‌های علمی کشور، نقد اسناد مربوط به توسعه علمی و فناورانه کشور، نقد نسل‌های دانشگاهی، نقد شاخص‌های علم‌سنجی و ... این شیوه نقادی در کشورهای توسعه‌یافته با جدیت دنبال می‌شود و ایران هم یکی از مصرف‌کننده‌های این قبیل فناوری‌های نرم و انسانی مرتبط به توسعه علمی است.

ادعای مهم مقاله این بود که فناوری‌های نرم و انسانی غربی که برای توسعه علم سکولار طراحی، اجرا، نقادی و توسعه یافته است ضرورتاً نمی‌تواند اهداف و آرمان‌های مندرج در اسناد بالادستی کشور را محقق سازد و چنانچه بر این باور هستیم که تقرب به حقیقت از طریق گفت‌وگو و تعامل علم و دین و همراهی دو بال معرفت علمی و معرفت دینی ممکن است، باید با نقادی فناوری‌های نرم و انسانی مرتبط با فعالیت علمی، ازجمله شاخص‌های علم‌سنجی، و اصلاح و تکمیل آن‌ها در یک الگوی نظام‌مند، جامع، مبتنی بر مبانی فلسفی، خلاقانه، اخلاق‌مدار و دین‌مدار (حسینی، ۱۴۰۲) به فناوری‌های نرم و انسانی کارآمد و ازجمله ابزارهای علم‌سنجی بهینه، جهت تقرب هرچه بیشتر به حقیقت دست یافت. ازسوی‌دیگر اگر سیاست کشور در عرصه علم، صرفاً ارتقای موقعیت ایران در علم‌سنجی‌های رایج است، چنین تلاشی لازم نیست و کافی است از شاخص‌های علم‌سنجی موجود استفاده شود. مهم، هماهنگی میان سیاست‌های کلان علمی ازیک‌سو و شاخص‌های علم‌سنجی ازسوی‌دیگر است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

منابع

اکبری، جواد. ۱۳۸۲. «قراردادی‌گری پاپر در مبنای تجربی علم». روش‌شناسی علوم انسانی. س ۹، ش ۲ (۳۴).

باربور، ایان. ۱۳۹۲. **دین و علم.** ترجمه پیروز فطورچی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پایا، علی. ۱۳۹۱. «تکنولوژی دینی: چیستی و امکان تحقق». **روش‌شناسی علوم انسانی.** س ۱۸، ش ۴ (۷۳).

پوپر، کارل. ۱۳۶۷. **حدس‌ها و ابطال‌ها.** ترجمه احمد آرام. تهران: سهامی انتشار.

چالمرز، آلن اف. ۱۳۷۴. **چیستی علم، درآمدی بر مکتب علم‌شناسی فلسفی.** ترجمه سعید زیباکلام. تهران: علمی و فرهنگی.

حسینی، سیدحسین. ۱۴۰۲. **الگوی نقد.** تهران: نقد فرهنگ.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۰. **نقشه جامع علمی کشور.**

شه‌گلی، احمد. ۱۳۹۸. «صورت‌بندی مسئله جهت‌داری تکنولوژی». **غرب‌شناسی بنیادی.** س ۱۰، ش ۲ (۲۰).

کلاهدوزی، احمد. ۱۳۹۴. **آموزش عالی پژوهش‌محور (مبانی و الگو).** تهران: گپ.

لازی، جان. ۱۳۷۷. **درآمدی تاریخی به فلسفه علم.** ترجمه علی پایا. تهران: انتشارات سمت.

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ۱۳۹۷. **سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت.**

مطیع، حسین. ۱۳۹۹. «آیا فناوری از لحاظ ارزشی جهت دارد؟». **مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی.** س ۲۴، ش ۲ (۸۳).

منجمی، علیرضا و غلامحسین مقدم حیدری. ۱۴۰۲. «بحران علم‌سنجی در علوم انسانی از منظر علم‌شناسی غیرپوزیتیویستی». **پژوهش‌های علم و دین.** س ۱۴، ش ۱ (۲۷).

منصوری، علیرضا و علی پایا. ۱۳۹۷. **علوم انسانی به مثابه فناوری.** تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. ۱۴۰۲ الف. «رتبه‌بندی لایدن ۲۰۲۳». در https://isc.ac/file/download/page/64a111fe7466c-leiden-2023.pdf

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. ۱۴۰۲ ب. «رتبه‌بندی تایمز دانشگاه‌ها جوان ۲۰۲۳». در https://isc.ac/file/download/page/64a531d030caa-2023.pdf

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. ۱۴۰۲ ج. «رتبه‌بندی شانگهای ۲۰۲۳». در https://isc.ac/file/download/page/64e056155dc0e-2023.pdf

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام. ۱۴۰۲ د. «رتبه‌بندی جهانی کیو اس (QS) سال ۲۰۲۴». در https://isc.ac/file/download/page/64a3bf0827341-qs.-new.pdf

فاضل‌زاده، سیداحمد. ۱۴۰۲. «مسیر تولید علم جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف توسعه پایدار جهانی». در https://isc.ac/fa/news/2045/مسیر-تولید-علم-جمهوری-اسلامی-ایران-در-راستای-اهداف-توسعه-پایدار-جهانی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۸۸. «بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور». در https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259

خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۶. «بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها». در https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36930

خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۷. «بیانات در دانشگاه فرهنگیان». در https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542

خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۸. «بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان». در https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410

خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۹. «بیانات در ارتباط تصویری با روسا و مدیران آموزش و پرورش». در https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46388

Psillos, S. 2007. “Truthlikeness.” In **Philosophy of Science A-Z** .Edinburgh University Press.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-07]